

روزنه

سندی از قرارگاه کربلا پیش از عملیات بیت المقدس

● شرق: مرکز ملی اسناد دفاع مقدس، اقدام به انتشار برخی اسناد این دوران کرده است. در یکی از این اسناد که آن زمان قید «خیلی محرمانه» داشته و به تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۶۱ است، «قرارگاه کربلا» به پیشنهادات «ستاد مشترک ارتش» پاسخ داده است. در این نامه، قرارگاه کربلا خطاب به ستاد نوشته: «آزادسازی خونین شهر از اشغال دشمن و تهدید بصره به منظور دستیابی به اهداف سیاسی- نظامی هدف اصلی و تدبیر مشترک و هماهنگ‌شده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نزاجا در عملیات کربلای ۳ است».

در ادامه این سند آمده: «بدهی است انهدام نیروهای دشمن در بخش جنوبی جبهه (خونین-شهر-بصره) و همچنین (بستن) راه عقب‌نشینی و فرار نیروهای متجاوز، در منطقه عمومی «جفیر» - جنوب کرخه- از طریق جاده طلایه (به سمت) بصره در پیامد چنین تدبیری منظور و برآورد شده است».

در قسمت دیگری از این سند، با تشکر از راهنمایی ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، نوشته شده: «قرارگاه کربلا اعتقاد دارد نظره‌ای ستاد مشترک در طرح عملیاتی کربلای ۳ مورد نظر و ملاحظه خاص بوده و حین هدایت عملیات نیز دستیابی سریع به نقطه‌نظرهای فوق مورد توجه است و از میان راه‌های کار مختلف، از راهکار پیشنهادی آن ستاد با توجه به وضعیت زمین و دشمن و تدبیر اصلی عملیات که فوقا به آن اشاره شد و پس از مباحثات فراوان و تبادل نقطه نظرهای مختلف مانور مذکور در طرح عملیاتی کربلای ۳ به عنوان راهکار هماهنگ‌شده مشترک و مورد توافق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نزاجا (انتخاب) و در مراحل اجرایی قرار گرفته است».

ایسن نامه یک روز پیش از آغاز عملیات بیت‌المقدس نوشته شده و ذیل آن نام «قرارگاه عملیاتی کربلا» با امضای شهید «علی صیادشیرازی»، فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش و «محسن رضایی»، فرمانده وقت سپاه پاسداران دیده می‌شود.

politics@sharghdaily.ir

ادامه از صفحه ۶

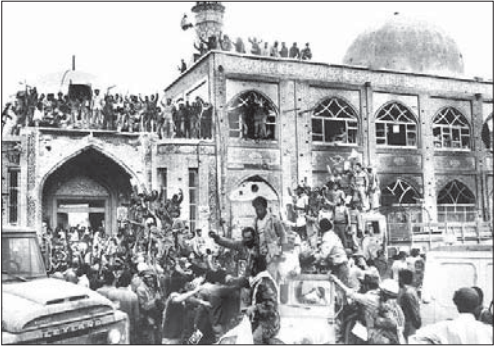
همه این عوامل به یک تحلیل کمک می‌کرد؛ فهمیدیم که ارتش عراق از حمله ما با خبر است و چگونه و در کجا و با چه استعدادی دفاع خواهد کرد. سپاه سه عراق در امتداد «کرخه‌کور»، خط دفاعی‌اش را به‌شدت مجهز کرده بود، در خرمشهر نیز همین‌طور؛ بسیار مصمم به دفاع در منطقه خرمشهر بود. ضمن اینکه از ترس هوایرد ما نیز در منطقه پلیس‌راه خرمشهر هر چیزی از قبیل ماشین قراضه، تیرآهن، میله چراغ-برق را که گیر آورده بودند به زمین فروکرده بودند، که چرتیاز نتواند پیاده شود. تنها جایی که می‌ماند، از حدود دارخوین تا نزدیک اهواز بود، ضمن اینکه آب‌گرفتگی نیز از همان منطقه شمال کرخه‌کور آمده، از غرب اهواز گذشته و تا ۶۰ کیلومتر ۶۰ جنوب اهواز را آب فراگرفته بود پس این منطقه، منطقه‌ای مناسب بود که می‌شد در آن عمل کرد. عراق برای دفاع از این منطقه، نیرو نداشت؛ بنابراین زمانی که نیرویی ندار، یعنی نیروی پیاده برای این‌کار، انگایش به عکس‌العمل واحدهای زرهی‌اش خواهد بود. اولاً نیروهای محدودی، حدود سه تا پنج گردان، به‌عنوان نیروی تأمین در منطقه حدود ۵۰ تا ۶۰ کیلومتر گذاشته بود تا ببینند و گزارش دهند و آرایش ما را به هم بزنند. خط اصلی دفاعی‌شان نیز جاده اهواز- خرمشهر بود که از اهواز به سمت خرمشهر خاکریزهای بلندی درست کرده بودند تا جاده معلوم نشود و پشت این‌رفت‌وآمد می‌کردند، به همین خاطر موضع اصلیشان این منطقه شده بود. نیروهای احتیاط و عکس‌العمل عراق که از لشکر سه و ۹ زرهی بودند، بین جاده تا خط مرز در منطقه گردمشت مستقر شده بودند و علاوه‌براین ادوات زرهی لشکر پنج و شش زرهی هم بودند که در سه نقطه گردمشت در جنوب منطقه جفیر و منطقه حمید، تا بتوانند در یک سمت اصلی کرخه‌کور و در امتداد کارون عکس‌العمل نشان دهند. امیدشان به این واحدهای زرهی بود که وقتی ما از کارون عبور می‌کنیم و نیروی پیاده ما خسته است، صبح روز بعد به ما پاتک بزنند. این طرح منطقی بود، اما مسئله این است که این نیروی ضربت و پاتک باید در زمان مناسب به‌کار برده شوند، اگر زودتر وارد عمل شوند کارایی ندارد، چون ما با توان بیشتری وارد می‌شویم. اگر مکانی که قصد انجام پاتک را در آن دارند درست انتخاب نکرده باشند و در ست نوک حمله ما نباشد، به جای اینکه ما را هدف قرار دهد، ما جای اصلی آنها را زده‌ایم. پس اگر ما بتوانیم این امتیاز زرهی عراق را که تنها امیدشان بود و در سه نقطه متمرکز کرده بودند از آنها بگیریم، غافلگیرشان کرده‌ایم؛ این پیشنهاد افسر اطلاعات بود.

۷

به این شیوه که اولاً نگذاریم دشمن متوجه نوک پیکان ما شود، دوم اینکه اجازه ندهیم در زمان لازم وارد عمل شود. واحد زرهی از موضع تجمعشان که می‌آیند تا آرایش بگیرند و هماهنگ شوند و سپس حمله کنند، زمان می‌برد. مسافت نیز اینجا جایگاه ویژه‌ای دارد که افسر اطلاعات این‌کار را انجام می‌دهد، که من انجامش دادم، اگر این زمان نیز که معمولاً دو تا سه ساعت برآورد کردیم، از آنان بگیریم، ما برنده خواهیم شد. ما این مسئله را به فرماندهان‌دام و ستاد طرح‌ریزی ارانه دادیم تا این امتیاز را از عراق بگیریم و غافلگیرش کنیم. عراق محل ما را فهمیده بود، زمانش را نیز شاید فهمیده بود اما از توانایی ما قطعاً بی‌اطلاع بود. اینجا بحثی سر انتخاب منطقه سرپل پیش آمد، این رودخانه کارون است و ما می‌خواهیم به سمت دیگر آن برویم و سرپل یا به عبارت دیگر جای پایی به دست آوریم. پس باید نیروهایمان را شبانه یا در فرصتی مناسب، از کارون به منطقه‌ای به نام سرپل ببریم. بعد از گرفتن سرپل‌ها، با نیروهایمان به

سیاست

پایان جنگ بعد از فتح خرمشهر، نه صلاح بود، نه ممکن



سمت جاده اهواز- خرمشهر حمله کنیم. حال باید تصمیم می‌گرفتیم که سرپل کوچک بگیریم یا بزرگ؟ سرپل کوچک حدود ۲۰کیلومتر بود؛ خب ما با حدود چهار لشکر در این منطقه عمل می‌کردیم، سخت‌ترین عملیات نظامی عبور از رودخانه است و تصور این را داشته باشید که ما پنج پل نظامی با عرض حدود ۲۰۵ تا ۳۲۵ متر در نقاط عبور از روی رودخانه کارون زدیم، پنج پل «بی‌آبی» شناور شبانه می‌زدیم که شبانه روانه کردیم و روزها برای حفاظت از بهماران آنها را جمع می‌کردیم. شب اول ما صد گردان عبور دادیم. خب اگر این صدگردان در منطقه کمی وارد عمل شوند، نوک پیکان آنها زودتر برای دشمن روشن می‌شود ولی منطقه بزرگ حسنی دارد که تا دشمن متوجه نوک پیکان ما نمی‌شود، زمان تصمیم‌گیری دشمن برای واردعمل‌کردن زرهی‌ها طول می‌کشد تا به خودش بیاید، ما به جاده رسیده‌ایم. اگر سرپل بزرگ بگیریم، ظرف دو، سه ساعت توانایی تصمیم‌گیری را نخواهد داشت. اگر عرض کم باشد، سریع‌تر تصمیم می‌گیرند. بنابراین تصمیم بر اتخاذ سرپل بزرگ شد پس سرپل را روی ۴۰ کیلومتر گرفتیم و شبانه نیروهایمان را عبور دادیم و طوری عمل کردیم که فردا صبح که پاتک‌ها شروع شد، پاتک‌هایشان را دفع کردیم، این امتیازی بود که ما از آنها گرفتیم و نگذاشتیم پاتک‌هایشان مانند رمضان مؤثر واقع شود، چون ما به خاکریز چسبیده بودیم و پاتک‌هایشان از هر سمت می‌آمد، تمریخش نبودند. این ویژگی نقش افسر اطلاعات بود در استفاده فرماندهان و طراحان از اطلاعاتی که ما به آنها ارائه کرده بودیم. عبور ما از کارون و مرحله اول عملیات برابر طرح، شش روز طول کشید. از دهم اردیبهشت تا شانزدهم، خودمان را بر سر جاده رساندیم که مرحله اول عملیات بود. بنا بر طرح موجود، مرحله دوم، رفتن به سمت خط مرز و رسیدن به خط مرزی بود و پس از آن مرحله سوم، ورود به خاک عراق و رسیدن به اروندرود از القرنه تا بصره و مرحله چهارم دفاع در همان منطقه. این طرح عملیات بیت‌المقدس بود. ما شش روز اول جایگاهمان را محکم کردیم و آماده رفتن به خط مرز شدیم. حالا عراق در امتداد کرخه‌کور به زمین چسبیده، دو لشکر و هفت تیپ پیاده در منطقه جفیر و پادگان حمید مستقرند. ما باید به سمت پشت اینها می‌رفتیم. چون نمی‌توانستند در دو جهت بجنگند، باید اسیر یا منهدم شوند یا عقب‌نشینی کنند که همین هم شد. به خاطر دارم صبح روز هفدهم اردیبهشت سرهنگ لطفی فرمانده لشکر۱۶ بودند که در قرارگاه قدس در امتداد کرخه‌کور عمل می‌کرد، با من تماس گرفت و گفت عراق عقب‌نشینی اختیاری کرده و حتی یک قوطی کنسرو خالی هم جا نگذاشته و نیروهایش را به پشت خط مرز منتقل کرده است. خط تماس از ۱۸۰کیلومتر از خرمشهر-

غرب کارون- غرب اهواز- کرخه‌کور آورد به ۹۰ کیلومتر، ۳۰ کیلومتر از طلایه تا کوشک و ۶۰کیلومتر از کوشک تا شلمجه؛ یعنی توانش دو برابر شد. ما که رقتیم به سمت خط مرز در خط مرزی جلویمان را گرفتند، چون منطقه کوچک‌تر شده بود، بنابراین ما نتوانستیم مرحله سوم را برابر طرح‌ریزی اولی‌مان انجام دهیم و به سمت شط‌العرب برویم. خب خسته هم شده بودیم ۲۴، ۲۵ روز در منطقه درگیر بودیم، یکی از ویژگی‌های عملیات بیت‌المقدس انعطاف در طرح‌ریزی بود. بلافاصله تصمیم گرفته شد مرحله سوم را همان جا رها کنیم و به سمت خرمشهر برویم و حداقل خرمشهر را بگیریم و جواب مردم را بدهیم. همین شد که سمت جهت حمله‌ها را عوض کردیم و به جای حمله به سمت غرب، به سمت خرمشهر رقتیم که منجر به پیشروی و موفقیت شد. اینجا مسئله‌ای را باید بگویم؛ عراق وقتی متوجه رسیدن ما به شلمجه شد و با دیدن بسته‌شدن جاده شلمجه و خرمشهر و احتمال اسیرشدن نیروهایش در خرمشهر، قوت گرفت، یک پل هوایی روی جزیره «بوارین»، نهر ختین و از سمتی دیگر ابوالخضیب عراق زد، تا نیروهایش را خارج کند یا در آینده بتواند باز هم نیروی کمکی بیاورد که نیروی هوایی ما آن را نابود کرد. روز سوم یا چهارم خرداد که خرمشهر آزاد شد. عده‌ای به آب زدند، کنار ساحل خرمشهر، مقدار زیادی پوتین و کلاه آهنی ریخته بود؛ تعدادی از نیروهای عراقی را آب برد. ما درمجموع در عملیات بیت‌المقدس بیش از ۱۹هزار اسیر گرفتیم که ۱۳هزار نفر آنها فقط در خرمشهر بودند که در بین آنها، بیش از ۲۶۰ نفر افسر بودند.

۷ پس با این اوصاف، طرح عملیات بیت‌المقدس از ابتدا با هدف خرمشهر نبود؟

بله ما هدفمان ورود به خرمشهر نبود، گفتم جنگ شهری، جنگ مشکلی است. ارتش عراق دو طرفش که کارون بود و قسمت شمالی و غربی را کاملاً محکم کرده بود، بنابراین ما آمدمیم گلویش را بگیریم تا راه عقب‌روی را ببندیم و خرمشهر را کاملاً در محاصره بگیریم. ما جاده خرمشهر- شلمجه را گرفتیم. روز آخر، قرارگاه نصر، فتح و قدس وارد عمل شدند اما نیرو کم داشتند که دو جیب ارتشی و سپاهی از منطقه فتح‌المبین آوردیم و به عنوان قرارگاه فجر تشکیل دادیم و وارد عمل کردیم. تقریباً با چهار قرارگاه ادامه یافت سپس منطقه را در حدود ۱۵کیلومتر آزاد کردیم و خواه‌ناخواه نیروی‌های عراقی در خرمشهر تسلیم شدند.

۷ پس از فتح خرمشهر دیگر پاتکی نداشتند؟

خیر؛ در مناطق جنوب کاملاً در لاک دفاعی فرورفتند.

۷ تبعات بیت‌المقدس و آزادی خرمشهر چه بود؟ چه تغییری در میدان جنگ ایجاد شد؟

پیش از فتح خرمشهر و در طول یک‌سال قبلش با عملیات‌های فتح‌المبین، طریق‌القدس و ثامن‌الامنه با ضرباتی که وارد کردیم، جان عراق را گرفته بودیم. درکل نصف توان ارتش عراق در این مدت گرفته شد. متوجه شدیم دیگر عراق در مرحله شکست‌خوردن است و نظام بین‌الملل هم نمی‌خواهد عراق شکست بخورد؛ یعنی ایران نباید برنده شود. این استراتژی‌شان تا بعد از فاو بود. ایران به لحاظ نظامی تازه در حال سرحال‌شدن بود اما استراتژی نظام بین‌الملل عوض شد. درباره چگونگی پیروزنشدن ایران و چگونگی شکست‌نخوردن عراق، آمارهای دقیقی از تاریخ‌های ورود مهمات و تجهیزات از بنادر «بنج» در اردن، «عقبه» از عربستان سعودی و «احمدی» کویت، موجود است.

ادامه در صفحه۱۹

نگاه

چگونگی تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر از نگاه سردار علایی

● شرق: سردار حسین علایی، از فرماندهان ارشد سپاه در زمان جنگ، در یادداشتی که در «مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس» نوشته، به «چگونگی تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر و روند پایان جنگ» پرداخته که بخش‌هایی از آن در ادامه آمده:

● آزادسازی شکفت‌انگیز خرمشهر، موجب نشاط فراوان در جامعه شد و روحیه ملی را در ایران بالا برد و مردم را به پیروزی در جنگ، امیدوار کرد. جایگاه و اعتبار بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران را افزایش داد و شرایط را برای عراق دشوار کرد. فروش نفت ایران افزایش یافت و درآمدهای ایران بهبود پیدا کرد. با فتح خرمشهر، احتمال پیروزی صدام در جنگ

تحمیلی، متغنی شد و ایران در مسائل مربوط به جنگ در موضع قدرت قرار گرفت. در محافل بین‌المللی این موضوع مطرح بود که پیروزی ایران در جنگ با عراق به‌نفع آمریکا و متحدان وی، ازجمله عربستان که از عراق حمایت می‌کرد، نخواهد بود.

● پس از فتح خرمشهر سه راهکار اساسی پیش روی مسئولان کشور قرار داشت:

الف) پذیرش آتش‌بس و ترک مخاصمه، بدون اعلام پایان جنگ و آغاز مذاکرات سیاسی؛

ب) ادامه جنگ بدون ورود به خاک عراق و تلاش برای رسیدن به اهداف موردنظر؛

ج) جنگ با ارتش متجاوز تا حصول نتیجه و بدون محدودیت ورود به خاک عراق.

● با فشار نظامی واردشده به رژیم بعثی عراق در جریان عملیات بیت‌المقدس و عقب‌نشینی برخی از واحدهای ارتش عراق از خاک ایران، صدام‌حسین از اعلام آتش‌بس استقبال کرد، اما از دید مسئولان ایرانی، پذیرش آتش‌بس به مفهوم فرصت‌دادن به حکومت عراق به‌منظور دستیابی به اهداف سیاسی جنگ بود.

● از روز آغاز جنگ تا فتح خرمشهر، جبهه‌های جنگ زمینی در داخل خاک ایران، شکل گرفته بود. اگرچه وقتی جنگی آغاز می‌شود، نمی‌توان هیچ نیروی مسلحی را از ورود به خاک طرف مقابل و جایی که نظامیان کشور خصم در آنجا تجهیز شده و آرایش نظامی می‌گیرند، بازداشت، ولی ایران در تلاش بود تا با فشار نظامی به نیروهای عراقی آنها را از سرزمین خود دور کند، اما با پایان‌یافتن جنگ پس از فتح خرمشهر، ایران سیاست منع عبور از مرزهای دو کشور را کنار گذاشت و تصمیم گرفت در هر فضایی که نیاز به جنگ باشد، وارد شود.



سوم خرداد

سالروز فتح

خرمشهر

روز مقاومت،
ایثار و پیروزی

Khorramshahr
Liberation Day
24 May 1982



بنیاد حفظ آثار
و نشر ارزش‌های دفاع مقدس